





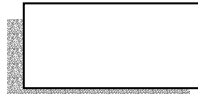


یک از بانک‌های یاد شده (که همگی فاقد آنند)، توصیه شده است.

منابع موردنظر در طرح در اختیار یکی از بانک‌های تخصصی موجود که گستره فعالیت وسیع‌تری دارد قرار گیرد. در این صورت نیز شرط اساسی انتخاب این گزینه، طراحی یک نظام حکمرانی مناسب برای بانک موردنظر، پیشنهاد گردیده است.

به طور خیلی خلاصه منظور از نظام حکمرانی مناسب، مجموعه منسجمی از روش‌ها و سازوکارهایی است که موجب تحقق اهداف سازمان (بانک موردنظر) و حفظ حقوق و منافع سهامداران آن گردد (در گزارش به مؤلفه‌های مهم این نظام اشاره شده است).

شایان ذکر آن‌که در هر دو گزینه، با توجه به تحولات بانکداری نوین، تنوع منابع مالی بانک توسعه‌ای و گرایش آن به سوی اتکای هر چه بیشتر بر منابع غیردولتی، برای بقای بانک کاملاً ضروری است؛ در غیر این صورت شاهد دوری روزافزون بانک از فضای رقابتی و جهت‌گیری آن به سوی زیان‌دهی و مآلاً ورشکستگی خواهیم بود.



تصمیم در مورد تأسیس یک بانک توسعه جدید با شرحی که در پیش‌نویس آمده، تصمیمی راهبردی است که نقد جنبه‌های مثبت و منفی آن مطالعات مفصلی را می‌طلبد. با این حال در این گزارش سعی می‌شود به برکت تجارب موجود در مورد بانک‌های توسعه‌ای یا به عبارتی تخصصی موجود و در سایه مطالعات موجود در زمینه بانکداری توسعه‌ای در جهان و در ایران، پیش‌نویس مزبور نقد و بررسی شود.

تصمیم در مورد تأسیس چنین بانکی با ویژگی‌های موردنظر، مستلزم پاسخ به سؤالات اساسی زیر است:

۱. بانک توسعه‌ای چیست و اهداف و وظایف آن کدام است؟ این نوع بانکداری با بانکداری تجاری چه فرقی دارد؟

۲. سابقه تاریخی بانکداری توسعه‌ای در جهان چگونه بوده است؟ تجارب ارزنده آن کدامند؟

۳. تجربه ایران در بانکداری توسعه‌ای در قبل و بعد از انقلاب چگونه بوده است؟

۴. آیا به بانک توسعه‌ای جدیدی نیاز است؟ اگر چنین است ویژگی‌های کلی این بانک با توجه به تجارب ایران و جهان و شرایط و مقتضیات اقتصاد سیاسی ایران چگونه باید باشد؟



در مورد بانکداری توسعه‌ای (Development Banking) تقریباً در هیچ یک از کتب دانشگاهی پول و بانکداری، حتی اشاره‌ای نرفته است. اما تاکنون چندین کتاب در این زمینه توسط بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، یونیدو، بانک جهانی، بانک‌های توسعه‌ای برخی کشورها، سازمان ادفیپ (انجمن مؤسسات مالی توسعه‌ای آسیا و پاسیفیک) و عده‌ای از محققان و صاحب‌نظران، نگاشته شده است که شاید در مجموع به بیش از بیست کتاب نرسد.

باید اذعان داشت که هنوز نظریه‌ای جامع و مورد اجماع - آن‌گونه که درباره بانکداری تجاری یا بانکداری عادی موجود است - در مورد بانکداری توسعه‌ای وجود ندارد. شاید علت آن باشد که اولاً قدمت این بانکداری به مراتب کم‌تر از قدمت بانکداری تجاری است و ثانیاً هر کشوری مطابق با شرایط اقتصادی - سیاسی خود، تجربه متفاوتی از بانکداری توسعه‌ای را عرضه داشته است.

آنچه که اکثر نظریه‌پردازان بانکداری توسعه‌ای تقریباً بر آن اتفاق نظر دارند و تجارب موفق برخی کشورها نیز بر آن صحنه می‌گذارد به شرح زیر است:

بانک توسعه‌ای همان وظایف اصلی بانک تجاری، یعنی تجهیز و تخصیص منابع را انجام می‌دهد، ولی اهداف و راهبردهایش متفاوت است.

هدف اصلی بانک توسعه‌ای، تسهیل و تسریع توسعه اقتصادی از طریق دو راهبرد

است:

۱. راهبرد معطوف به نهاد بنگاه،

۲. راهبرد معطوف به نهاد بازار.

در راهبرد اول، بانک توسعه‌ای، منابع مالی بلندمدت را با شرایط نسبتاً مناسب از داخل و خارج از کشور تجهیز می‌کند و آن‌ها را با شرایط به نسبت مناسب و همراه با مشاوره‌های تخصصی به کارآفرینان بخش خصوصی تخصیص می‌دهد.



در راهبرد دوم که معمولاً همگام با راهبرد اول است، بانک توسعه‌ای با انجام اقداماتی چون حمایت از ایجاد:

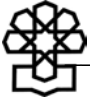
- نهادها و مؤسسات مالی مانند بازار سرمایه، شرکت‌های بیمه، حسابرسی، ضمانت سرمایه‌گذاری و ....،

- نهادها و مؤسسات مشاوره‌ای تخصصی مانند: شرکت‌های مهندسان مشاور، تحقیقات بازاریابی، خدمات مدیریتی و مالی،

- نهادها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی و اطلاع‌رسانی؛

می‌کوشد ویژگی‌های کارآفرینی و فعالیت بخش خصوصی را تقویت کند و هزینه‌های مبادلاتی (Transaction Costs) را کاهش دهد.

بانک توسعه‌ای به سبب ارتباطات گسترده با بنگاه‌های اقتصادی (سطح خرد اقتصادی)، تجربه و اطلاعات ارزنده‌ای از فعالیت و مشکلات آن‌ها را به دست می‌آورد، از این‌رو در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان، وضع قوانین کار و تجارت و مالیات (سطح کلان اقتصادی) مشارکت مجدانه می‌جوید و از این طریق به تنظیم روابط اقتصادی و کاهش هزینه‌های مبادلاتی و در مجموع به ارتقای فضای رقابتی در بازار مدد می‌رساند.



در گزارش حاضر، چندین جا در برابر بانک توسعه‌ای از

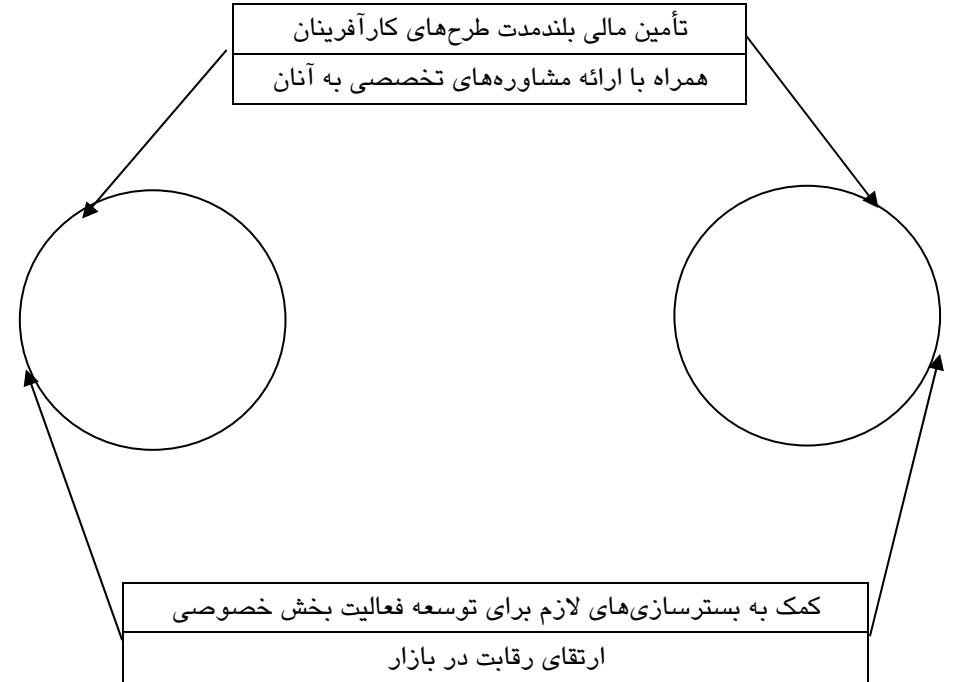
سخن به میان آمد. در این جا، تفاوت‌های این سه بانک، به‌طور مختصر شرح داده می‌شود:

. بانکی است که معمولاً در بازار پول فعال است و به تجهیز و تخصیص منابع کوتاه مدت (معمولاً حدود یکساله) می‌پردازد و هدف آن به حداکثر رسانیدن سود است.

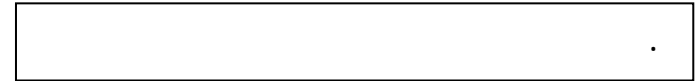
. بانکی است که معمولاً در بازار سرمایه فعالیت می‌کند و به تجهیز و تخصیص منابع میان‌مدت و بلندمدت در زمینه‌های خاص اقتصادی مشغول است و هدف آن به حداکثر رسانیدن سود است.

. بانکی است که در بازار سرمایه فعالیت دارد و معمولاً به تجهیز و تخصیص منابع بلندمدت در زمینه‌های خاص اقتصادی می‌پردازد و اهداف آن همسو با اهداف برنامه‌های توسعه یا سیاست‌های ملی کشور است.

. بانکی است که عمدتاً در زمینه معاملات و انتشار اوراق بهادار فعالیت دارد و با اعطای وام‌های بلندمدت به شرکت‌ها و مؤسسات می‌کوشد بر بخش عمده‌ای از سهام آن‌ها دست یابد و مدیریت آن‌ها را در اختیار گیرد. هدف این بانک، به حداکثر رسانیدن سود است.



با توجه به رسالت بانک‌های توسعه‌ای، دولت‌ها معمولاً جایگاه درخوری برای آن‌ها در راهبردهای توسعه اقتصادی خود طراحی می‌کنند.



بانکداری توسعه‌ای برای جبران کاستی‌های بازار در تأمین منابع مالی بلندمدت و مهارت‌های کارآفرینی لازم در فرایند توسعه اقتصادی اروپای قاره‌ای (اروپای بدون انگلستان) در قرن نوزدهم شروع به نشو و نما کرد.

فرایند صنعتی شدن در انگلستان، آرام و تدریجی و طبیعی انجام شد، چرا که منابع بلندمدت و کارآفرینان هر دو به تدریج رشد یافته و آماده بودند. وقوع انقلاب صنعتی در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ سبب شکاف عظیمی بین وضعیت اقتصادی انگلستان و سایر کشورهای اروپا شد. آن‌ها از افزایش توانایی بنگاه‌های اقتصادی انگلستان در تأمین سرمایه لازم و پیدایش کارآفرینان نوآور، بی‌بهره بودند و ناگزیر از طی روندی سریع شدند. تحقق این امر، مستلزم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت برای ایجاد شرکت‌های بزرگ و زیرساخت‌های لازم بود. عدم توانایی نظام بانکداری موجود، ایجاد مؤسسات مالی جدیدی را برای پاسخگویی به نیازهای روزافزون مالی و تأمین مهارت‌های کارآفرینی ایجاب می‌کرد.

گرایش بانک‌های اروپا به سوی روش‌های جدید سازماندهی و سرمایه‌گذاری، در نهایت منجر به پیدایش نوآوری بسیار مهمی در روش بانکداری سنتی در سال ۱۸۲۲ شد. در این سال، بانک سوسیته ژنرال بلژیک در بروکسل با وظیفه فروش سهام و اوراق قرضه برای تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت‌های تجاری و صنعتی ایجاد شد. این بانک حامی اصلی ایجاد صنایع بلژیک در دهه ۱۸۳۰ بود.

روش بانکداری نوین در اروپا، با ظهور دو بانک «کردی فونسیه» و «کردی موبیلیه» فرانسه در سال ۱۸۵۲ به اوج شکوفایی رسید.

بدعت‌های این دو بانک عبارت بودند از:

۱. ایجاد شرکت‌های سهامی،

۲. تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت،



۳. تجهیز منابع مالی از طریق صدور اوراق بهادار،

۴. ترغیب کارآفرینان اقتصادی.

«کردی موبیلیه» تأثیر بسزا و سریعی در توسعه اقتصادی اروپا داشت. این بانک در طول ۱۵ سال فعالیت خود، به رغم برخی نارسایی‌ها و کاستی‌ها، به صورت الگویی برای ایجاد بانک‌های مشابهی در آلمان، اتریش، بلژیک، ایتالیا، سوئیس و اسپانیا درآمد. این بانک‌ها با کمک یا مشارکت کردی موبیلیه تأسیس شدند. نظام بانکداری جدید در تمامی اروپا و در غرب روسیه، با تأسی از تجارب کردی موبیلیه، در صنعتی شدن این کشورها نقش داشت.

بانک‌های جدید در سرمایه‌بسیاری از شرکت‌ها مشارکت جستند و کمک‌های خود را به صورت پذیره‌نویسی و صدور سهامی که خود نیز سهم بودند، عرضه کردند. بانک‌های مزبور، در تبدیل شرکت‌های پیشین به شرکت‌های سهامی که مناسب فعالیت‌های بزرگ بودند، تأثیر بسزایی داشتند. از این گذشته، این بانک‌ها، به سبب جلب عموم به خرید سهام، موجب رشد مؤسسات بازار سرمایه شدند. این بانک‌ها به دلیل ذی‌نفع بودن در فعالیت شرکت‌های مورد حمایت، نقش مهمی در ارائه مشاوره‌های فنی و مدیریتی داشتند.

به طور خلاصه، کردی موبیلیه و بانک‌های مشابه و پیرو آن، در واقع نقش برنامه‌ریزان، کارآفرینان، وام‌دهندگان و اغلب مدیران را ایفا کردند و در مجموع، برخی از نیازهای اقتصادی اروپا را از راه‌های زیر تأمین نمودند:

- تجهیز سرمایه‌های فراوان از سایر بانک‌ها و اشخاص،

- به کارگیری سرمایه‌ها برای خرید سهام شرکت‌ها و اعطای وام‌های بلندمدت به

آن‌ها،

- تأسیس شرکت‌های جدید برای ایجاد زیرساخت‌ها و تجهیز معادن و احداث

صنایع،



- وام‌دهی به مؤسسات عمومی،

- کمک به ایجاد نهادهای بازار سرمایه.

نکات شایان توجه در مورد بانکداری نوین اروپا را می‌توان به شرح زیر خلاصه

نمود:

- ارتباطات تنگاتنگ و سازنده بین دولت و بخش خصوصی در روند توسعه

اقتصادی،

- حمایت بانکداری نوین از تشکیل و گسترش بازار سرمایه و اتکا بر منابع

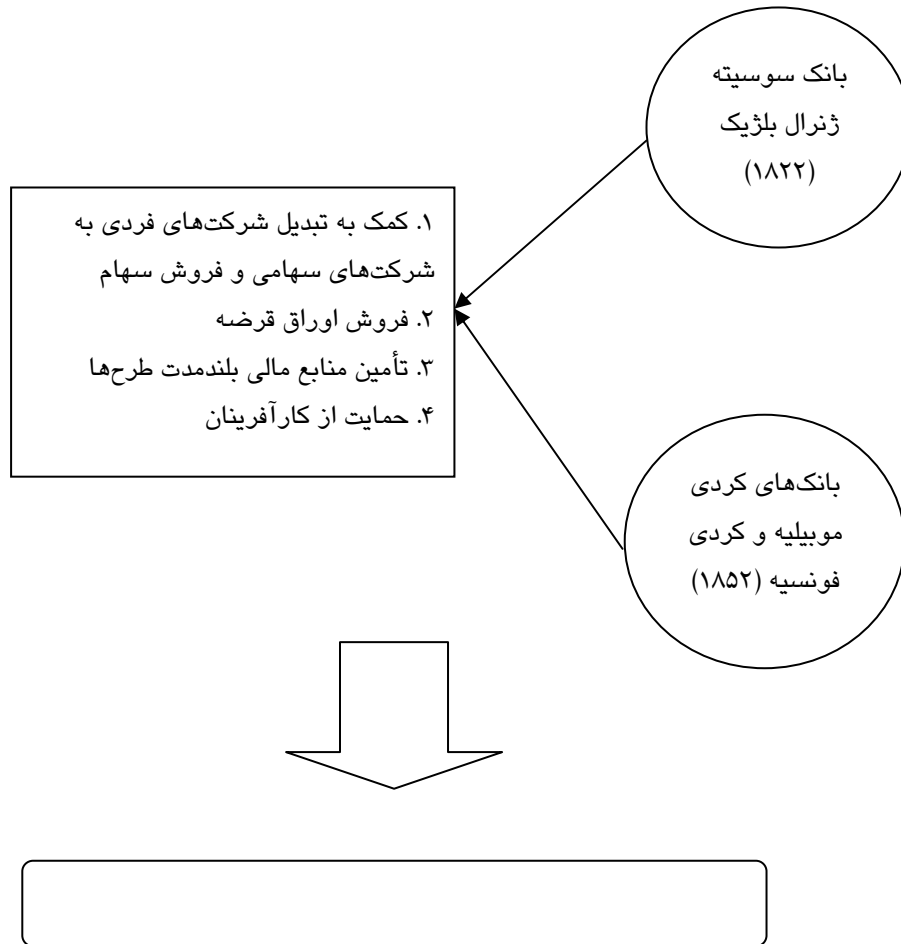
بلندمدت تجهیز شده از آن،

- انواع حمایت‌های مالی و مدیریتی از کارآفرینان نوآور.

بانک‌های «سوسیته ژنرال» و «کردی موبیلیه» الگوی بانک‌های سرمایه‌گذاری

(Investment Banks) قرن نوزدهم و اشکال اولیه بانک‌های توسعه‌ای قرن بیستم به

شمار می‌آیند.





از اوایل قرن بیستم، بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف اروپا و با کمک و حمایت‌های دولت‌ها ایجاد شدند. فعالیت آن‌ها عمدتاً تجهیز منابع میان‌مدت و بلندمدت از منابع گوناگون و تخصیص آن‌ها به بخش‌های اقتصادی به ویژه صنعت بود. از جمله می‌توان بانک‌های زیر را نام برد:

- بانک اعتبارات صنعتی بلژیک (۱۹۱۹)
- بانک اعتبارات ملی (فرانسه) (۱۹۱۹)
- بانک رهنی فنلاند (۱۹۲۴)
- مؤسسه رهنی صنعتی (مجارستان) (۱۹۲۸)
- بانک اقتصاد ملی لهستان (۱۹۲۱)
- مؤسسه مالی ایتالیا (۱۹۳۱)
- مؤسسه بازسازی صنایع (ایتالیا) (۱۹۳۳)
- شرکت توسعه صنعتی بانکداران (انگلستان) (۱۹۳۰)
- بانک توسعه صنعتی (کانادا) (۱۹۴۴)
- هرشتل بانک (هلند) (۱۹۴۵)

این بانک‌ها و بانک‌های تقریباً مشابه در سایر کشورهای اروپایی که اشکال تکامل یافته بانک‌های قرن نوزدهم اروپا بودند بانک‌های توسعه‌ای محسوب می‌شوند.

با این حال، بانکداری توسعه‌ای به نحوی منسجم، توسط بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه<sup>۱</sup> (بعدها بانک جهانی) در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، نظریه‌پردازی و حمایت گسترده شد.

در اواخر جنگ جهانی دوم، بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، توسط کشورهای متفق، در سال ۱۹۴۴ و همزمان با ایجاد صندوق بین‌المللی پول، تأسیس شد. این بانک با هدف اولیه انجام اصلاحات مالی، ارزی، تجاری در دوره بعد از جنگ اول شروع به

1. International Bank for Reconstruction and Development.



فعالیت کرد، ولی بعد از پایان جنگ دوم، هدف اصلی آن بازسازی کشورهای آسیب دیده از جنگ شد. این بانک که بعدها با گروه مؤسسات و شرکت‌های وابسته، نام «بانک جهانی» را یافت، پس از اهداف اولیه، متوجه توسعه اقتصادی کشورها شد و به ویژه

برگزید و برای تحقق آن به دو دسته فعالیت

پرداخت:

۱. اعطای وام‌های سرمایه‌گذاری به کشورهای در حال توسعه عضو،

۲. ارائه خدمات تخصصی به این کشورها.

از جمله خدمات تخصصی ارائه شده توسط بانک جهانی، کمک به ایجاد و تقویت

بانک‌ها و مؤسسات مالی توسعه‌ای بوده است.

سه کتاب نظری بانک جهانی در مورد بانک‌ها و مؤسسات مالی توسعه‌ای که کتبی

پایه‌ای به شمار می‌آیند، عبارتند از:

1. Diamond, William: Development Banks, A World Bank Publication, The John Hopkins University Press, 1957.
2. Diamond, William: Development Finance Companies, Aspects of Policy and Operation, The John Hopkins Press for the World Bank Group, 1968.
3. Bosky, Shirly, Problems and Practices of Development Banks, the International Bank for Reconstruction and Development, The John Hopkins Press, Baltimore, 1959.

دوره اواخر دهه ۱۹۴۰ تا دهه ۱۹۶۰، دوره رونق بانک‌های توسعه‌ای محسوب

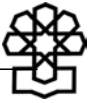
می‌شود؛ زیرا این بانک‌ها توانستند منابع بلندمدت هنگفتی را از داخل و خارج از کشور

تجهیز کنند و به طرح‌های مورد نیاز تخصیص دهند.

گفتنی است که اغلب نظرات طرح شده در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ درباره توسعه

اقتصادی مبتنی بر دستیابی بر میزان‌های بالاتری از نرخ رشد اقتصادی بود. اگر چه

بسیاری از کشورها توانستند به نرخ‌های رشد ۵٪ تا ۷٪ در تولید ناخالص ملی مورد



حمایت سازمان ملل دست یابند، ولی سطح و کیفیت زندگی مردم در اکثر زمینه‌ها، بدون تغییر باقی ماند. در نتیجه، در دهه ۷۰، گرایش بیش‌تری به سمت ارزیابی توسعه اقتصادی براساس متغیرهای اقتصادی بیش‌تری، شکل گرفت؛ به طوری که کاهش یا حذف فقر، نابرابری و بیکاری نیز جزو شاخص‌های توسعه شدند.

دو بانک اصلی توسعه صنعتی ایران -

- در این دوره و با حمایت‌های فراوان بانک جهانی تأسیس

گردیدند.



استقراض از بانک دولتی	توسعه بخش خصوصی	۴۴٪	۱۹۶۸	DBS ( )
تضمین استقراض	بازسازی ویرانی‌های جنگ	۱۰۰٪	۱۹۵۴	KDB ( )
استقراض از بانک دولتی	تشویق کارآفرینی	۱۰۰٪	۱۹۷۳	BPMB ( )
معافیت مالیاتی / تضمین استقراض	توسعه بخش خصوصی	۳۰٪	۱۹۵۹	IFCT ( )
تضمین استقراض	توسعه صنعتی و کشاورزی	۱۰۰٪	۱۹۵۸	DBP ( )
استقراض از بانک دولتی	تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای	۱۰۰٪	۱۹۶۰	BAPINDO ( )
تضمین استقراض	بازسازی اقتصادی	۱۰۰٪	۱۹۵۱	JDB ( )
تأمین مالی	تشویق و توسعه بخش خصوصی در فعالیت‌های صنعتی	۱۰۰٪	۱۹۵۶ (۱۳۳۵)	( )
کمک در تأمین منابع و تضمین استقراض خارجی	تشویق و توسعه بخش خصوصی و توسعه بازار سرمایه	—	۱۹۵۹ (۱۳۳۸)	

توضیحات: بانک JDB در ۱۹۹۹ منحل شد و با مأموریت جدید، بانک توسعه‌ای ژاپن (DBJ) نامگذاری شد.

در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ تحولات اقتصادی عمده‌ای در سطح بین‌المللی

پدید آمد که اهم آن‌ها عبارت بودند از:

۱. حرکت به سوی تجارت جهانی،



۲. گرایش به سوی اقتصادهای باز،

۳. افزایش رقابت در بازارهای مالی.

بانک‌های توسعه‌ای برخی کشورها، در اثر ادامه پیروی از روش‌ها و سیاست‌های پیشین و اتکای بیش از حد بر حمایت‌های دولتی و نفوذ و دخالت‌های گسترده دولت‌ها در آن‌ها، یا ورشکسته شدند، یا در بانک‌های دیگر ادغام گردیدند یا به فعالیت‌های زیانبار خود ادامه دادند. در این میان، برخی بانک‌های توسعه‌ای توانستند، مأموریت‌ها و راهبردهای خود را اصلاح کنند و با شرایط جدید تطبیق یابند.

در واقع در ربع آخر قرن بیستم، دو نکته اساسی در مورد بانکداری توسعه‌ای آشکار شد:

۱. فعالیت بانکداری توسعه‌ای در اقتصادهای در حال توسعه، فراتر از تأمین مالی صرف طرح‌هاست.

۲. تجهیز منابع مالی با اتکای خود و از طریق بازار و برکنار از یارانه‌ها برای بقای بانک توسعه‌ای، حیاتی است.

اگر چه در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ به علت توجه شدید به اقتصاد بازار آزاد، با کاهش توجه به اهمیت نقش بانکداری توسعه‌ای در فضای عمومی بین‌المللی مواجه‌ایم، اما وقوع بحران مالی ۱۹۹۷-۱۹۹۹ آسیای شرقی، موجب ظهور نگرش جدید به اهمیت بانکداری توسعه‌ای شد.

پس از پایان بحران، طرح‌های سرمایه‌گذاری‌ای که با نگرش تجاری تأمین مالی شده بودند، دچار معضلات پیچیده‌ای گردیدند. در حالی که طرح‌هایی که با نگرش تخصصی بانکداری توسعه‌ای تأمین مالی شده بودند، مشکلات به مراتب کمتری را در پی داشتند.

این بحران مالی، دو پیام عمده برای بانکداری توسعه‌ای داشت:

۱. اهمیت اعمال کارشناسی‌های حرفه‌ای بانکداری توسعه‌ای و دوری از نگرش

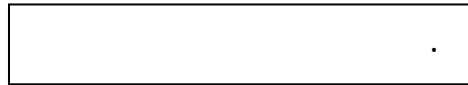


تجاری در وام‌دهی‌های بلندمدت،

۲. توجه مجدد به نقش بانکداری توسعه‌ای ولی با مأموریت‌های جدید.

طبق اطلاعات ادفیاپ<sup>۱</sup> (ADFIAP)، امروزه بیش از ۵۵۰ بانک توسعه‌ای در حدود ۱۸۵ کشور جهان وجود دارد که تقریباً ۱۸ درصد آن‌ها بانک‌های توسعه‌ای بین‌المللی و منطقه‌ای و باقی در سطح ملی‌اند.

میانگین تعداد بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به ترتیب کم‌تر از ۳ و بیش‌تر از ۳ بانک است. قاره آمریکا با داشتن حدود ۱۵۰ بانک توسعه‌ای در صدر و اروپا با حدود ۵۰ بانک توسعه‌ای در ذیل این فهرست قرار دارند.



در سال ۱۳۰۹ در بانک ملی، یک شعبه تخصصی به نام «شعبه فلاحتی» برای اعطای وام به کشاورزان ایجاد شد. این شعبه را می‌توان نخستین اقدام برای ایجاد بانکی تخصصی در ایران دانست، چه گسترش فعالیت‌های آن، موجب تشکیل بانک مستقلی به نام «بانک فلاحتی و صنعتی ایران» با هدف توسعه کشاورزی و صنعت در سال ۱۳۱۲ شد. این بانک بعد از تغییراتی چند، سرانجام در سال ۱۳۳۴ به «بانک کشاورزی ایران» با هدف توسعه کشاورزی، آبیاری و صنایع روستایی، تغییر نام یافت. این بانک، بعدها دچار تغییراتی شد. دومین بانک کشاورزی که شاید بتوان آن را اولین بانک توسعه‌ای کشاورزی در ایران دانست، «صندوق توسعه کشاورزی ایران» با سرمایه دولتی در سال ۱۳۴۷ شروع به فعالیت کرد. از جمله اهداف آن عبارت بودند از: تشویق سرمایه‌گذاری‌های بزرگ خصوصی در کشاورزی و دامپروری، گسترش کشاورزی تجاری، آبادانی زمین‌های بایر و موات و توسعه صادرات محصولات کشاورزی.

۱. انجمن مؤسسات مالی توسعه‌ای آسیا و پاسیفیک.



این صندوق در سال ۱۳۵۲ به «بانک توسعه کشاورزی ایران» تغییر نام یافت و در سال ۱۳۵۸ همراه با بانک تعاون کشاورزی ایران، «بانک کشاورزی» امروز را به وجود آورد.

اولین بانک تخصصی ساختمانی در ایران «بانک رهنی ایران» بود که در سال ۱۳۱۷ به منظور اعطای وام برای ساختمان‌سازی، تعمیرات و غیره، در ازای اموال غیرمنقول تأسیس شد. «بانک ساختمانی» در سال ۱۳۳۱ توسط دولت ایجاد شد. در سال ۱۳۵۳ «بانک ساختمان» با مشارکت «بانک رهنی ایران»، «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران»، «بانک ملی ایران»، «بانک رفاه کارگران»، «شرکت بیمه ایران» و اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر تأسیس شد. وظایف آن اعطای تسهیلات برای توسعه صنعت ساختمان و اجرای طرح‌های عمرانی بود. در سال ۱۳۵۵، «شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران» با سرمایه بانک‌های خصوصی و دولتی و اشخاص حقیقی دیگر تشکیل شد.

در سال ۱۳۵۸، از یکپارچگی بانک ساختمان، شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی بانک‌های ایران و بانک رهنی ایران، همراه با شرکت‌های پسرانداز مسکن کوروش، اکباتان، پاسارگاد و ... «بانک مسکن» امروزی به وجود آمد. فعالیت‌های این بانک عبارتند از: اعطای تسهیلات برای ساخت، خرید و تعمیر واحدهای مسکونی و تولید مصالح ساختمانی و دریافت وام و اعتبار از منابع داخلی.

نخستین بانک توسعه‌ای صنعتی، «بانک اعتبارات صنعتی» بود که در سال ۱۳۳۵ در برنامه عمرانی دوم، توسط دولت و وابسته به سازمان برنامه و بودجه تأسیس شد. وظیفه آن تشویق و کمک به صاحبان سرمایه‌های خصوصی و تشکیل واحدهای تولیدی صنعتی و معدنی و خدماتی با هدف کمک به توسعه صنعتی کشور بود.

سه سال بعد در سال ۱۳۳۸، نخستین بانک توسعه صنعتی خصوصی، با عنوان «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران» با ۸۷ درصد سهام ایرانی و ۱۳ درصد سهام



خارجی ایجاد شد. هدف این بانک نیز تشویق سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های بخش خصوصی در امور صنعتی و معدنی، تولید و حمل و نقل و بود.

بانک اعتبارات صنعتی، عمدتاً برای مدیریت اعتبارات و کمک‌های اختصاصی دولت در امر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تشکیل شد، در حالی که بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران با تأکید بر اعطای تسهیلات برای طرح (نه افراد) و پرهیز از اعمال نظرات مدیریت دولتی در اعطای تسهیلات به وجود آمد.

صندوق ضمانت صنعتی نیز در سال ۱۳۳۹ با همکاری مشترک ایران و ایالات متحده آمریکا به منظور حمایت از صنایع کوچک پدید آمد. در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)، دو بانک «توسعه و سرمایه‌گذاری ایران» و «شرکت سرمایه‌گذاری بانک‌ها» و سه بانک آذربایجان، خزر و خوزستان، با هدف توسعه صنعتی در سطح ملی و منطقه‌ای به وجود آمدند.

، عمدتاً عبارت بودند از:

- مساعده‌های بدون بهره بانک مرکزی با بازپرداخت ۲۰ ساله،
- وام‌های مستقیم دولت از طریق وزارت صنایع و معادن و سازمان برنامه و بودجه،
- وام‌های امانی دولت از طریق وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف،
- منابع حاصل از فروش سهام کارخانه‌های دولتی،
- وام‌های ارزی از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه با تضمین دولت،
- منابع حاصل از فروش سهام بانک‌های خصوصی به عموم و فروش سهام متعلق به دولت در بانک‌های دولتی به عموم و استفاده از وجوه حاصل به صورت وام بدون بهره،
- دریافت وام‌های ارزی سندیکایی از بانک‌های خارج،



- اعطای معافیت‌های مالیاتی،

- انتشار اوراق قرضه در خارج از کشور.

علاوه بر این‌ها، به موجب مصوبات شورای اقتصاد هزینه‌های مالی، مازاد بر ۸ درصد ناشی از اعتبارات دریافتی از خارج کشور به صورت کمک بدون بهره توسط دولت به این بانک‌ها پرداخت می‌شده است.

( - ) مأموریت تأمین منابع مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری را همراه با بسترسازی‌های چند برای توسعه بخش خصوصی به منظور کمک به توسعه صنعتی کشور بر عهده داشتند. عمده منابع آن‌ها (چه دولتی و چه خصوصی) از محل وجوه دولتی و کمک‌ها و وام‌های خارجی با بهره‌های نازل تأمین می‌شده است. اگرچه میزان پرداختی این بانک‌ها به طرح‌ها و واحدهای صنعتی و معدنی به حدی بود که در مجموع حدود ۴۱ درصد از کل سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن کشور را در طول دوره ۱۳۳۹-۱۳۵۷ تشکیل می‌داده است، به طوری که در ایجاد اکثر واحدهای صنعتی مهم کشور نقش داشته‌اند و هر چند نیز در شکل‌گیری و تقویت مؤسسات و نهادهای مالی و آموزشی و ایجاد بازار بورس مشارکت داشته‌اند، ولی در مجموع عملکرد کیفی آن‌ها از دید توسعه صنعتی، متناسب با عملکرد کمی آن‌ها نبوده است. عملکرد حدود ۲۰ سال بانکداری توسعه صنعتی ایران در قبل از انقلاب، از نظر ترکیب و همچنین غفلت تقریباً کامل از ترغیب فناوری درونزا، چندان در جهت وجه غیر فیزیکی توسعه صنعتی نبوده است. در واقع نگرش عمدتاً کمی و فیزیکی به توسعه صنعتی این بانک‌ها که از نگرش سیاستگذاران و برنامه‌ریزان توسعه کشور نسبت به توسعه صنعتی تأثیر می‌پذیرفته و ریشه در ساختار خاص اقتصاد سیاسی ایران داشته است، در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز همچنان ادامه یافت.



پس از وقوع انقلاب اسلامی، چهار بانک توسعه صنعتی و یک مؤسسه اعتباری صنایع کوچک در هم آمیختند و بانک صنعت و معدن در سال ۱۳۵۸ زاده شد؛ بانکی که در اثر اجرای قانون حفاظت صنایع، وارث ۱۰۶ شرکت اغلب زیانده گردید و پس از آن نیز در اجرای لایحه ۶۷۳۸ واحدهای زیانده دیگری به این مجموعه پیوستند. متأسفانه سیاستگذاران کلان اقتصادی کشور، دیگر جایگاهی برتر از این یگانه بانک توسعه صنعتی در نظام اقتصادی کشور قائل نشدند. بانک تازه تأسیس که تا قبل از آن سخت متکی به منابع غیرداخلی بود، به ناچار برای گذران امور خود و انجام فعالیت جدید بنگاهداری، عمدتاً به منابع محدود حاصل از این فعالیت متکی شد. اقدام دیر هنگام این بانک در جهت تجهیز منابع از بیرون، تاکنون نتوانسته نیازهای برنامه‌ای آن را تأمین کند. رفتن بانک به زیر نظارت وزارتخانه صنایع و معادن نیز مشکلات و مسائل خاص خود را یافته است.

در گزارشی که در سال ۱۳۸۱ توسط نمایندگان بانک‌های صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و توسعه صادرات جهت ارائه در همایش «چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران» به منظور شروع تدوین برنامه چهارم توسعه در سرفصل «تجهیز منابع سرمایه‌ای» تهیه شد، کمبود منابع مالی این بانک‌ها تقریباً مشابه مطرح شده بود.

از مرور روند تحولات بانکداری توسعه‌ای در جهان و ایران

را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. دولتی بودن کامل این بانک‌ها و عدم همسویی منافع مدیران و کارکنان آن‌ها با منافع بانک (الگوی تضاد منافع) و وابستگی شدید آن‌ها به انواع حمایت‌های مالی و غیرمالی و نفوذ خواست‌های غیرعقلایی دولتمردان در مدیریت و فعالیت‌های بانک‌ها.
۲. حضور مدیران اغلب غیرمتخصص و غیرمغرب، به‌ویژه در دوره بعد از انقلاب در رأس این بانک‌ها.



۳. تأکید فعالیت این بانکها بر شاخص‌های ظاهری و کمی اقتصادی مانند افزایش تعداد و میزان سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی و غفلت تقریباً کامل از جنبه‌های توسعه اقتصادی مانند ترغیب نوآوری‌ها و فناوری‌های درونزا و تحول استانداردهای تولید و فعالیت‌های اقتصادی که از ضروریات بانکداری توسعه‌ای موفق است.

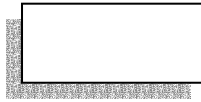
۴. ضعف یا فقدان یک نظام ارزشیابی و انگیزشی مناسب نیروی انسانی که به ویژه در دوره بعد از انقلاب موجب خروج گسترده کارشناسان و مدیران قابل شایسته از بانکها شده است.

۵. درگیر شدن با امور شرکت‌داری در دوره بعد از انقلاب (ناخواسته یا خواسته) و دوری از روح بانکداری (این امر به ویژه در مورد بانک صنعت و معدن صدق می‌کند).

۶. عدم تحول در روش‌ها و فرایندهای بررسی و ارزیابی طرح‌ها (به‌طور مثال نگرش غالب مبتنی بر سیاست جایگزینی واردات در بررسی بازار طرح‌ها).

۷. استفاده شتابزده از مشاوران خارج بانک برای تهیه گزارش‌های توجیهی و امر نظارت بر اجرای طرح‌ها در بانک صنعت و معدن و پیروی تدریجی سایر بانکها از این روش به‌طور نسجیده در حالی که نه تنها در بانکها، روش‌ها و فرایندهای نوین و منسجم و یگانه‌ای در بررسی طرح‌ها وجود ندارد، بلکه شرکت‌های مشاور نیز با بسیاری از این مفاهیم بیگانه‌اند و بین آن‌ها و بانکها، هنوز زبان مشترکی به‌وجود نیامده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در بانک‌های توسعه‌ای ایران که به حق نباید از آن‌ها به‌عنوان بانک توسعه‌ای، بلکه بانک تخصصی یاد کرد، یک نظام حکمرانی مناسب (Good Corporate Governance) به هیچ‌وجه وجود نداشته است. در نتیجه، گستره نظارت بر عملکرد مدیران، پاسخگویی به ذی‌نفعان اصلی بانک (سهامداران، مشتریان و کارکنان) و به‌طور کلی فضای رقابتی، در سطح نازلی قرار داشته است.



در ابتدای گزارش حاضر، بیان شد که تصمیم‌گیری در مورد تأسیس چنین بانکی، امری راهبردی است و برای توجیه آن نیز، مرور به نسبت مفصلی از تجارب بین‌المللی و تجربیات کشورمان و مستندات از متون نظری و کاربردی در بانکداری توسعه‌ای ارائه شد.

بر مبنای مطالب ارائه شده، می‌توان نتیجه گرفت که: !  
بانکی که از طریق مالکیت و منابع (آن‌هم منابع عمدتاً یارانه‌ای) به دولت سخت وابسته باشد، از فضای رقابتی به دور خواهد ماند و به زیاندهی و ورشکستگی در خواهد افتاد. اگرچه در جهان، بانک‌های توسعه‌ای ۱۰۰ درصد دولتی ولی موفق داریم مانند: بانک توسعه‌ای کره (KDB)، بانک توسعه‌ای ژاپن (JDB)، بانک توسعه‌ای در آلمان (KfW) و تا حدی بانک توسعه‌ای مالزی (BPMB)، ولی ذکر چند نکته اهمیت دارد:

۱. ساختار اقتصاد سیاسی و به تبع آن ساختار حقوقی کشورهای یاد شده، از ساختارهای ایران، سخت متفاوت‌اند.

۲. منابع هیچ‌کدام از این بانکها، تماماً دولتی و یارانه‌ای نیست بلکه بخشی از منابع آن‌ها از بازار سرمایه و سایر مجاری تجهیز می‌شود.

۳. تمامی این بانکها در تخصیص منابع، مأموریت‌ها و اولویت‌هایی را برگزیده‌اند که در سرتاسر حدود

. به‌طور مثال، بانک توسعه‌ای مالزی، توجه خود را در سال



متمرکز نمود؛ بانک توسعه‌ای کره در همین سال،

را مطرح نظر قرار داد؛ بانک توسعه‌ای ژاپن نیز در سال مشابه،

دو اولویت طرح‌ها و همچنین

در تخصیص منابع، منظور داشت؛ و بانک توسعه‌ای در آلمان (KFW)، در مأموریت خود در سال ۱۹۹۴، ارتقای

پیشنهاددهندگان طرح که با نیت خیر منابع مهمی چون حساب ذخیره ارزی و درآمد حاصل از فروش شرکت‌های دولتی، تأسیس بانک توسعه‌ای جدیدی را در قالب تغییر یافته یکی از بانک‌های دولتی موجود مطرح ساخته‌اند، ظاهراً وضعیت موجود بانک‌های دولتی را مناسب نیافته‌اند. از این‌رو پرسش‌های چندی مطرح می‌شود:

- چرا وضعیت بانک‌های دولتی مناسب انجام این رسالت نیست؟

- آیا امکان تغییر وضعیت آن‌ها وجود دارد؟

- آیا وابستگی بانک به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌تواند یکی از راه‌های تغییر بانک به سوی وضعیت بهتر و انجام مأموریت موردنظر باشد؟

از دید نگارنده، در شرایط موجود هم می‌توان از وضعیت نامناسب به وضعیت

بهتر دست یافت، به شرط آن‌که این تغییر وضعیت صورت نگیرد



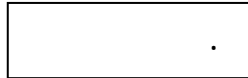
به‌منظور نقد طرح پیشنهادی، مزایا و مشکلات طرح را بر می‌شکافیم:



این امر در صورتی محقق خواهد شد که نظام حکمرانی مناسبی برای بانک جدید طراحی کنیم.

این تغییر اگر با توجه به دانش نوین بانکداری و تجارب بانکداری توسعه‌ای جهانی و ایران و با عنایت به شرایط کلان محیطی انجام شود، مثمرتر خواهد بود.

به‌نظر می‌رسد که در هر حال خروج بانک دولت‌ای به‌طور مثال بانک صنعت و معدن از سیطره یک دستگاه اجرایی خاص و استقرار آن تحت نظارت یک نهاد سیاستگذاری می‌تواند تا حدی، وضعیت بهتری را به‌بار آورد.



بانک موردنظر به منابع دولتی که عمدتاً دارند،

احتمال شدید دور شدن هر چه بیش‌تر آن را از فضای رقابتی و در نتیجه زیاندهی و ورشکستگی آتی آن را در پی خواهد داشت. از این گذشته وابستگی شدید بانک به دولت، فضای نفوذ دولتمردان بر سیاست‌های بانک و دخالت آنان را در فعالیت‌های جاری بانک می‌گشاید که خود منجر به انحراف بانک از تخصیص مناسب منابع خواهد شد.

۲. بانک‌های توسعه‌ای به علت انجام وظایف تخصصی و حرفه‌ای

۱. مفهومی که از کارآفرین در کشور ما رایج است مانند بسیاری از مفاهیم، متفاوت است از آنچه که در دنیای پیشرفته مستفاد می‌شود. در ایران، به هر کسی که کار و کسبی را راه بیاندازد، یا حداکثر کاشف فرصت‌های جدیدی باشد کارآفرین می‌گویند؛ در حالی‌که کارآفرین واقعی کسی است که فرصت‌ها را خلق می‌کند و به وجود می‌آورد.

۲. به‌نظر می‌رسد که دست کم در اقتصاد ایران ما مخیر به انتخاب بین یکی از گزینه‌های بد یا بدتر یا حداکثر بد و خوب هستیم و فعلاً انتخاب بهینه (بهترین)ی را نمی‌توان متصور بود. بنابراین بهتر است از کاربرد بی‌رویه و سهل‌انگارانه واژه «بهینه» پرهیز کنیم.



فعالیت می‌کنند؛ مثلاً:

- کشاورزی و صنایع روستایی،
- صنعت و معدن،
- مسکن و ساختمان،
- عمرانی و زیرساختی.

از این‌رو فعالیت همزمان در کلیه زمینه‌های اقتصادی (موضوع مندرج در سطر دوم طرح) می‌تواند به کاهش کیفیت امور کارشناسی بانک می‌انجامد. حتی اگر برخی از وظایف تخصصی بانک توسعه‌ای مانند بررسی (امکان‌سنجی) طرح‌ها و نظارت بر اجرای طرح‌ها را بر عهده مشاوران بیرون بانک بگذاریم، امر ارزیابی طرح‌ها (Project Appraisal) و به‌طور کلی نظارت بر عملکرد مشاوران، کار به مراتب تخصصی‌تری است که تنها از عهده کارشناسان با تجربه و مجهز به دانش نوین بر می‌آید.

از آن‌جا که امیدی به سودآوری چندان بانک در شرایط موجود نخواهد بود، بنابراین بر سود عملکرد بانک نیز نمی‌توان به‌عنوان منبعی قابل اعتماد و قابل ملاحظه تکیه کرد.<sup>۱</sup>

۴. تعیین شده توسط هیأت امنای در استفاده از تسهیلات آن عبارتند از:

۱. گفتنی است که حسابرسی موجود در ایران، دستخوش نارسایی‌هایی است. به‌طور مثال در آن، ارزش واقعی بنگاه‌ها منعکس نمی‌شود؛ از شاخص‌های عملیاتی مانند رضایتمندی مشتریان و کیفیت نیروی انسانی بنگاه غفلت می‌شود؛ و مخاطرات فعالیت بنگاه، به حساب نمی‌آیند. از این‌رو چنانچه حسابرسی درستی اعمال شود، چه بسا، تراز مالی اکثر بنگاه‌های اقتصادی و از جمله بانکها زیان نشان دهند.

از این گذشته، بانک‌های توسعه‌ای مانند بانک‌های تجاری به‌دنبال حداکثر رسانیدن سود نیستند، بلکه در جهت تحقق اهداف توسعه‌ای خود، می‌کوشند با استفاده از پرتفوی منابع خود، سود را بهینه سازند (Profit Maximization) به عبارت دیگر درجه سودآوری بانک‌های توسعه‌ای معمولاً کم‌تر از آن بانک‌های تجاری است. ولی در هر حال این بانک‌ها برای استمرار بقای خود باید سودآور باشند.



- تشویق سرمایه‌گذاری در مناطق کم‌تر توسعه یافته،
- نوسازی و بازسازی صنایع نساجی،
- نوسازی صنعت قند،
- توسعه صنایع کشتی‌سازی،
- احداث کارخانه‌های جدید سیمان،
- تجهیز ناوگان هوایی،
- تجهیز ناوگان کشتی‌های کوچک خلیج فارس،
- کمک به پیمانکاران ایرانی حاضر در مناقصه‌های بین‌المللی،
- ایجاد ناوگان کشتیرانی در دریای خزر.

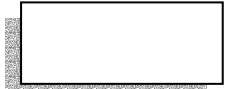
با توجه به اولویت‌های یاد شده، نمی‌توان انتظار جذب تسهیلات قابل توجهی از این حساب برای اعطا به طرح‌های سودآور را داشت.

به‌نظر می‌رسد پیشنهاددهندگان طرح، بنا بر نیت خیر خود، در تخصیص مناسب‌تر منابع مهم یاد شده، شتاب دارند.

در حال حاضر چندین بانک توسعه‌ای و تجاری مشغول اعطای تسهیلات ارزی از محل حساب ذخیره ارزی‌اند (البته اگر تاکنون مانده این حساب صفر نشده باشد!) در این صورت باید دید که مشکلات آن‌ها در تخصیص این منبع و سایر منابعی را که می‌توان در اختیارشان قرارداد چیست که پیشنهاددهندگان به طرح تأسیس یک بانک جدید رهنمون کرده است.

۶. پیشنهاد شده به‌عنوان استفاده‌کننده از منابع بانک باید دقیقاً تعریف شود.

اگرچه در ماده (۶۰) برنامه سوم توسعه، در برخی جاها، از بخش خصوصی و تعاونی سخن به میان رفته است، ولی به‌نظر می‌رسد که صراحت در مفهوم بخش غیردولتی ضروری است.



با توجه به نقد مختصر طرح تشکیل بانک توسعه سرمایه‌گذاری دو گزینه زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) توزیع منابع یاد شده بین بانک‌های تخصصی موجود (بانک‌های صنعت و معدن، مسکن، کشاورزی و توسعه صادرات ایران)، به‌منظور تخصیص براساس تخصص‌های آن‌ها (اکثر زمینه‌های اقتصادی مورد نظر پیشنهاددهندگان طرح).

چنانچه این گزینه انتخاب شود، حتماً باید تغییراتی اساسی برای تخصیص بهتر منابع در ساختار این بانک‌ها داده شود (به‌طور مثال بانک صنعت و معدن از زیر تیول وزارت صنایع و معادن به درآمد تا این بانک بیش از این تسهیلات ریالی و ارزی را به صنایع غیررقابتی‌ای مانند خودروسازی یا به طرح‌هایی که بنا بر نفوذ برخی مقامات وزارتخانه و غیره مهر توجیه و تأیید بانک را می‌خورند، بذل و بخشش ننماید)!

ب) منابع مورد نظر در اختیار تخصصی موجود که گستره فعالیت وسیع‌تری دارد با شرط تغییر اساسی ساختار آن قرار گیرد تا کیفیت کارشناسی تخصیص منابع رعایت گردد.

در صورت انتخاب هر یک از گزینه‌های پیشنهادی، انجام

و آن طراحی نظام حکمرانی شرکتی (Corporate Governance) برای بانک یا بانک‌های مورد نظر است؛ امری که نه تنها در سطح هیچ یک از بانک‌های تخصصی وجود ندارد، بلکه تمامی بانک‌های دولتی و خصوصی موجود فاقد آنند.

از جمله مواردی که در این زمینه شایان تأکیدند عبارتند از:

۱. تعیین مجمع و هیأت مدیره‌ای از صاحبانظران، با تجربه و دانش‌های متفاوت



مرتبط با موضوع فعالیت‌های بانک و تا حد امکان بر کنار از سیاستمداران،

۲. مدیر عامل متخصص و با تجربه در علوم و امور بانکی و مالی،

۳. عدم عضویت مدیر عامل (مقام اجرایی) در هیأت مدیره (مقام نظارتی) یا حداقل

ممنوعیت انتخاب وی به‌عنوان رئیس هیأت مدیره،

۴. طراحی نظام مناسب ارزشیابی و انگیزشی نیروی انسانی،

۵. تعیین نقش مناسب کارکنان بانک در تصمیم‌گیری‌های راهبردی آن،

۶. طراحی نظام مناسب مشتری‌گرایی که گستره‌ای به‌مراتب فراتر از محدوده

«طرح تکریم ارباب رجوع» دارد.

۷. انجام حسابرسی‌های ادواری بانک توسط نهادی معتبر و

مستقل،

۸. تلاش در جهت پیوند بانک با بازار سرمایه و یافتن ابزارها و روش‌های جدید

تجهیز منابع مالی،

۹. بازنگری اساسی در روش‌های بررسی، ارزیابی و نظارت طرح،

۱۰. برقراری ارتباطات علمی نظام‌مند با مراکز آموزشی و پژوهشی معتبر داخلی

و خارجی در زمینه موضوعات مرتبط،

۱۱. برقراری ارتباطات علمی با بانک‌های موفق توسعه‌ای و انجمن‌ها و

اتحادیه‌های بانک‌های توسعه‌ای در جهان،

۱۲. حمایت از تقویت یا ایجاد نهادها و مؤسسات آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای

بخش خصوصی مرتبط با موضوع فعالیت‌های بانک،

۱۳. بررسی عملکرد اعطای تسهیلات از محل حساب ذخیره ارزی از ابتدا تاکنون

به‌منظور پیشگیری از انحرافات و اشتباهات احتمالی گذشته و یافتن روش‌های مناسب

نظارتی در این زمینه.



2002.

این کتاب احتمالاً جدیدترین نظریات را در باب بانکداری توسعه‌ای براساس تجارب بانک‌های توسعه‌ای وابسته به انجمن مؤسسات مالی توسعه‌ای آسیا و پاسیفیک به‌دست می‌دهد.

ایران در این انجمن عضو است و هر ساله تعدادی را برای شرکت در دوره‌های آموزش آن (که یکی نیز اختصاصاً در مورد بانکداری توسعه‌ای است) معرفی می‌کند.

5. ADFIAP: Development Financing in Asia & the Pacific Its Evolution & Impact, Vol. I; India, Malaysia, Pakistan, Philippines, Thailand, ADFIAP, 2000.

کتابچه‌ای از تجارب اخیر کشورهای هند، مالزی، پاکستان، فیلیپین و تایلند در زمینه بانک‌ها و مؤسسات مالی توسعه‌ای.

6. Searchlight on Development Banking, A Compendium of IFCT Silver Jubilee Memorial Lectures, 1973-1988, Industrial Finance corporation of India, 1984.

کتابچه‌ای که حاوی نسخه‌های صاحب‌نظران بانکداری توسعه‌ای از سراسر جهان از جمله آقای قاسم خردجو، مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (قبل از انقلاب) که حاوی نظریه‌پردازی‌های متنوع در ادبیات موضوع است.

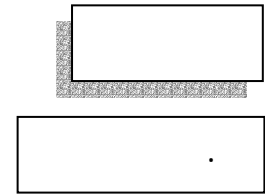
7. Boskey, Shirly: Problems and practices of development banks, International Bank for Reconstruction and development, the John Hopkins press, Baltimore, 1959.

یکی دیگر از کتاب‌های کلاسیک بانکداری توسعه‌ای است که حدود نیم قرن پیش توسط یکی از صاحب‌نظران بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه نگاشته شده است.

8. UNIDO, Development Banking in the 1980 selection from the proceedings of the UNIDO/ World Bank symposium, Zurich, June 1979, UN, New York, 1980.

کتاب حاوی سخنرانی مدیران بانک‌های توسعه‌ای تعدادی از کشورهای مختلف جهان در مورد تجارب و نظراتشان در زمینه بانکداری توسعه‌ای است.

9. Adler, Robert w, public External financing of Development Banks, Bureau of Business and Economic Research, university of Oregon, 1966.



(

1. Diamond, William: Development Banks, A World Bank Publication, The John Hopkins University Press, 1957.

این کتاب یکی از کتب کلاسیک در ادبیات موضوع است که ضمن نگاهی تاریخی به شکل‌گیری بانکداری توسعه‌ای در قرون نوزدهم و بیستم، به نظریه‌پردازی در این موضوع می‌پردازد.

2. Diamond, William: Development Finance Companies, Aspects of Policy and Operation, The John Hopkins Press for the World Bank Group, 1968.

کتاب بالا نیز که به قلم نظریه‌پرداز - آقای ویلیام دیاموند - است درباره مؤسسات مالی توسعه‌ای و اهداف و وظایف و عملکردشان است.

دو کتاب یاد شده شاید کتاب‌های اصلی پایه بانکداری توسعه‌ای باشند. مرحوم دکتر عظیمی در رساله فوق‌لیسانس خود از محتویات این دو کتاب، بسیار سود جسته است.

3. Fukui, Koichiro; Koyama, Masahisa, Saeki, Yoshitaka; Mori, Kazuyuki; Shibate, Tsutomu; Inaba, Yoji: Development Banking in the New Millennium, An Evaluation of Development Banking in Selected Countries and lessons for the Future, Development Bank of Japan (DBJ) & Japan Economic Research Institute (JERI), October 1999.

این کتاب حاصل تحقیقات بانک توسعه ژاپن در مورد روند بانکداری توسعه‌ای در قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم در منتخبی از کشورهای شرق آسیا، چین و آلمان است و آمار عملکرد بانک‌های توسعه‌ای در کشورهای یاد شده را همراه با تحلیل ارائه می‌دهد.

ترجمه و مطالعه این کتاب برای تأسیس یا انجام اصلاحات در هر بانک توسعه‌ای در ایران کاملاً ضروری است.

4. Association of Development Financing Institutions in Asia and the Pacific (ADFIAP): Principles & Practices of Development Banking, Vol.3, ADFIAP,



این کتاب، تحقیقی آماری در مورد تجارب منتخبی از بانک‌های توسعه‌ای در جهان در زمینه تأمین مالی است.

(

۱. ایرانمنش، محمد: بانک‌های توسعه‌ای، تعریف، وظایف، نقش‌ها و فعالیت‌ها، بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۳.
۲. ایرانمنش، محمد: پیشینه تاریخی بانک‌های توسعه‌ای در جهان، بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۳.
۳. ایرانمنش، محمد: نقش بانک‌های توسعه‌ای در فرایند توسعه اقتصادی، همراه با مروری بر عملکرد بانک صنعت و معدن در گذشته و جایگاه آن در آینده، ۱۳۷۸.
۴. ایرانمنش، محمد: تاریخچه مختصر بانک‌های تخصصی در ایران، بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۳.
۵. ایرانمنش، محمد: صص ۲۵ تا ۴۹، برنامه راهبردی بانک صنعت و معدن، ۱۳۷۷.
۶. بانک صنعت و معدن، اداره برنامه‌ریزی و پژوهش‌های اقتصادی، نقش و وظایف بانک‌های توسعه‌ای و وضعیت بهره‌گیری از آن‌ها در شرایط کنونی اقتصاد کشور، ۱۳۷۴.
۷. بانک مرکزی، نقش بانک‌های تخصصی در اقتصاد ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی، ۱۳۵۹.
۸. خاکزاد، احمدرضا: بانکداری توسعه‌ای در هزاره جدید (ترجمه)، فصل اول، خلاصه کتاب، معاونت برنامه‌ریزی و سیستم‌ها، مدیریت نهادها و ابزارها، بانک صنعت و معدن، ۱۳۸۱.
۹. عظیمی، حسین: نقش بانک‌های توسعه در رشد صنایع، با توجه خاص به بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، انتشارات دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ (رساله فوق لیسانس).
۱۰. بانک صنعت و معدن: گزارش آماری فعالیت‌های بانک اعتبارات صنعتی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷، خرداد ۱۳۶۰.
۱۱. بانک صنعت و معدن: گزارش آماری بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال‌های ۱۳۳۹-۱۳۵۷، خرداد ۱۳۶۰.



:

: تحلیلی بر پیش‌نویس طرح تأسیس بانک توسعه سرمایه‌گذاری

: مطالعات برنامه و بودجه

: سید محمد ایرانمنش

: دکتر محمد قاسمی

: دکتر سبحانی (رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات)

—:

:

- بانکداری توسعه‌ای (Development Banking)

- هزینه‌های مبادلاتی (Transaction Costs)

- بانک‌های سرمایه‌گذاری (Investment Banks)

- ارزیابی طرح‌ها (Projects Appraisal)

- حکمرانی شرکتی (Corporate Governance)

:

به متن مراجعه شود.